

منهای فوتبال

دختران والیبال در پخش تلویزیونی



پخش تلویزیونی یکی از چالش‌های اصلی ورزش زنان است که در آشنایی مردم، جذب اسپانسر و به طور کلی پیشرفت این بخش تاثیر زیادی دارد. در همین راستا زنان ورزشکار در رشته‌های مختلف بارها خواستار پخش رسانه‌ای مسابقات خود شده‌اند و معتقدند زمانی که با حجاب کامل در میدان رقابت حاضر می‌شوند نباید مانعی سر این خواسته وجود داشته باشد. به مرور بستر اینترنت و شبکه‌های مجازی فضای را به زنان ورزشکار داد تا از آن جهت انتشار اخبار خود استفاده کنند و تا حد امکان تصاویر و فیلم‌هایی از مسابقات‌شان را به اشتراک بگذارند. علاوه بر این لایوهای اینستاگرامی به عنوان ابزاری کارآمد در این زمینه عمل کرد. به تازگی و در اتفاقی تاریخی امانبال والیبال زنان تهران در رده سنی امید ۱۵ دقیقه از طریق شبکه ورزش و به صورت زنده پخش شد. البته پیش از این دیدار تیم‌های شهیدشاملی و تاسیسات دریایی از سری مسابقات لیگ هندبال زنان در فصل گذشته از طریق شبکه بین‌المللی جام جم با تاخیر پخش شد اما این بار پای زنان از طریق شبکه ورزش و به صورت زنده به تلویزیون باز شد. پخش زنده تلویزیونی ورزش زنان می‌تواند مشکل همیشگی کمبود اسپانسر در این بخش را تا حد زیادی حل کند. از طرفی دیگر در انگیزه ورزشکاران تاثیر زیادی دارد چرا که می‌دانند تلاش آنها دیده و مردم با آنها آشنا می‌شوند. ضمن اینکه هر چه رشته‌ای در سطح جامعه شناخته شود افراد بیشتری به سمت آن سوق پیدا می‌کنند و این به معنی ورود استعداد‌های جدیدی است که می‌توانند توانایی زنان ایران را بیش از پیش در عرصه‌های بین‌المللی به نمایش بگذارند. پخش رسانه‌ای ورزش زنان که نمی‌ای جامعه را تشکیل می‌دهند، می‌تواند موجی از شوق و انگیزه برای این بخش فراهم و پیوند آنها را با ورزش بیشتر کند.

مورد عجیب یک مدافع

اتوبان دانشگر!

مدافع میانی استقلال در حال شکستن یک رکورد تاریخی در دنیای فوتبال است. شاید هیچ بازیکنی در تاریخ وجود ندارد که به اندازه دانشگر در یک مدت کوتاه از یک تیم فوتبال کنار گذاشته شده باشد. قرار دادن این مدافع در اختیار باشگاه، عادت تکراری مربیان این سال‌های استقلال بوده اما معلوم نیست که چرا با وجود همه بی‌نظمی‌ها و رفتارهای ناخوشایند، این بازیکن دوباره از کادرهای فنی مختلف چراغ سبز دریافت می‌کند و به ترکیب استقلال برمی‌گردد. حالا فرهاد مجیدی دوباره این بازیکن را کنار گذاشته و این بار همه هواداران انتظار دارند که سرمربی تیم، از موضع‌اش در مقابل محمد دانشگر عقب‌نشینی نکند.



آرپاطاری

تکراری ترین خبر این دو فصل اخیر در باشگاه استقلال، کنار گذاشتن محمد دانشگر بوده است. بازیکنی که ظاهراً هر چند هفته یک بار هوس استراحت به سرش می‌زند و کاری می‌کند که از حضور در جلسه‌های تمرینی تیم منع

چهره به چهره

یک شکست بزرگ دیگر برای خصوصی سازی

شهر گمشده!

آرپاطاری

«تیمی به نام شهر خودرو وجود خارجی ندارد!» این جمله رئیس هیات فوتبال خراسان رادر شرایطی می‌شنویم که اتفاقاتی همین چندروز قبل، تیمی با همین اسم در رقابت‌های لیگ برتر حاضر بوده و هنوز هم نام این باشگاه در همه جداول لیگ دیده می‌شود. قاعدتاً نباید تیم‌های فوتبال یک شبه دود شوند و یه هوا برون‌دام‌در فوتبال ایران نام شهر خودرو دوباره به «پدیده» تغییر پیدا کرده است. جالب اینکه رییس هیات فوتبال استان، تغییر نام این تیم به شهر خودرو در سال‌های گذشته را غیر قانونی دانسته اما سوال اینجاست که اگر این تغییر قانونی نبوده، چرا همه مراجع رسمی بر گزاری فوتبال در ایران، از اسم شهر خودرو برای این تیم استفاده می‌کردند؟

از شروع این فصل، کاملاً قابل پیش‌بینی به نظر می‌رسید که دوران مالکیت خصوصی نماینده مشهد در لیگ برتر رو به پایان است. مجموعه تصمیم‌هایی که حمیدالدین اواخر برای

اتفاق روز

کولیبالی در سکوت در حال ترک پی‌اس‌جی

تورا دوست ندارند!

درست در روزهایی که باشگاه پی‌اس‌جی با شکست دادن بارسا و البته زمزمه‌های جذب یک نفر از بین مسی و رونالدو در تابستان آینده سروصدای زیادی در فوتبال اروپا به پا کرده، یکی از مهم‌ترین محصولات آکادمی این باشگاه بدون سروصدا در حال ترک تیم است. کولیبالی شاید بهترین ستاره این روزهای آکادمی پی‌اس‌جی باشد اما او ترجیح می‌دهد به جای رسیدن به تیم اصلی باشگاه، پیراهن تیم دیگری را بر تن کند. این اتفاق در گذر زمان به یک دردسر بزرگ برای باشگاه فرانسوی تبدیل شده است. چرا که کولیبالی جوان و با استعداد، اولیسن بازیکنی نیست که با وجود رشد کردن در آکادمی فوتبال پاری‌سن ژرمن، کوچک‌ترین علاقه‌ای برای ادامه راه در این تیم از خودش نشان نمی‌دهد. سال

شود. اینکه چه دلیلی برای کنار گذاشتن این بازیکن وجود دارد، کاملاً قابل درک است اما اینکه چرا همه مربی‌ها در نهایت مقابل او کوتاه می‌آیند و دوباره مجوز حضورش در ترکیب تیم را صادر می‌کنند، هنوز دلیل روشنی ندارد. البته که محمد به لحاظ فنی، یکی از بهترین مدافعان حاضر در لیگ برتر به

باشگاه گرفته، تصمیم‌هایی در جهت «توسعه» نیستند. این تیم حتی مشکلی با فروش بهترین نفراتش ندارد و حاضر است در میانه فصل برای دریافت پول رضایتنامه، ترکیب اصلی‌اش را خالی کند. فرهاد فرجی در آستانه پیوستن به پرسپولیس قرار گرفته و استقلال‌ی‌ها به دنبال امین قاسمی نژاد هستند. اگر این دویازیکن از باشگاه جدا شوند، کاملاً بعید به نظر می‌رسد که این تیم بتواند مهره‌های جانشین قابل قبولی در بازار برای‌شان پیدا کند. اوضاع شهر خودرو تا جایی پیچیده شد که حتی رحمتی تصمیم گرفت خودش دوباره در ترکیب اصلی تیم قرار بگیرد و به خطر دروازه بر گردد اما مسائل مالکیتی، فعال‌جولوی رقم خوردن این اتفاق را گرفتند. تیمی که زمانی مدعی قهرمانی لیگ برتر به‌شمار می‌رفت، حالا در جدول شرایط ناامیدکننده دارد و در رده‌های پایین گرفتار شده است. آنها خیلی زود از جام حذفی نیز کنار رفته‌اند تا شرایط نامطلوبی را در این فصل تجربه کنند. بدون شک، سردرگمی مالکیتی و مسائل مختلف مالی، ذهنیت مهره‌های این تیم را به هم ریخته‌اند. باشگاهی که هم‌زمان با «دو اسم» اداره می‌شود و هر کدام از طرفین دعوا این اسم خودشان را درست می‌دانند. شهر خودرو یا پدیده، این روزها نه مالک قطعی دارد و نه از مدیر مقتدری برخوردار است که به وضعیت تیم سروسامان بدهد. اساساً وقتی چنین کشمکش‌هایی در اطراف یک تیم فوتبال شکل می‌گیرد، تنزل آن تیم حتمی خواهد بود و

باشگاه گرفته، تصمیم‌هایی در جهت «توسعه» نیستند. این تیم حتی مشکلی با فروش بهترین نفراتش ندارد و حاضر است در میانه فصل برای دریافت پول رضایتنامه، ترکیب اصلی‌اش را خالی کند. فرهاد فرجی در آستانه پیوستن به پرسپولیس قرار گرفته و استقلال‌ی‌ها به دنبال امین قاسمی نژاد هستند. اگر این دویازیکن از باشگاه جدا شوند، کاملاً بعید به نظر می‌رسد که این تیم بتواند مهره‌های جانشین قابل قبولی در بازار برای‌شان پیدا کند. اوضاع شهر خودرو تا جایی پیچیده شد که حتی رحمتی تصمیم گرفت خودش دوباره در ترکیب اصلی تیم قرار بگیرد و به خطر دروازه بر گردد اما مسائل مالکیتی، فعال‌جولوی رقم خوردن این اتفاق را گرفتند. تیمی که زمانی مدعی قهرمانی لیگ برتر به‌شمار می‌رفت، حالا در جدول شرایط ناامیدکننده دارد و در رده‌های پایین گرفتار شده است. آنها خیلی زود از جام حذفی نیز کنار رفته‌اند تا شرایط نامطلوبی را در این فصل تجربه کنند. بدون شک، سردرگمی مالکیتی و مسائل مختلف مالی، ذهنیت مهره‌های این تیم را به هم ریخته‌اند. باشگاهی که هم‌زمان با «دو اسم» اداره می‌شود و هر کدام از طرفین دعوا این اسم خودشان را درست می‌دانند. شهر خودرو یا پدیده، این روزها نه مالک قطعی دارد و نه از مدیر مقتدری برخوردار است که به وضعیت تیم سروسامان بدهد. اساساً وقتی چنین کشمکش‌هایی در اطراف یک تیم فوتبال شکل می‌گیرد، تنزل آن تیم حتمی خواهد بود و

نداشت، دانشگر تا امروز پیشرفت به مراتب بیشتری را تجربه کرده بود اما در جازدن او در فوتبال، نتیجه همین عملکرد دلسردکننده‌اش در برخورد با هم‌تیمی‌ها و مربیان استقلال است. اگر این بازیکن کمی و فقط کمی از عصبانیت فاصله می‌گرفت و در زمان عصبانیت چشمانش را روی همه چیز نمی‌بست، شاید به دست آوردن پیراهن تیم ملی هم برایش در دسترس بود اما ظاهراً او با خودش عهد کرده که راه خودش را سد کند و برای استعدادش، در دسر به وجود بیاید. عهده‌ی که انگار قرار نیست هرگز شکسته شود.

درگیری با فرشید اسماعیلی در جریان مسابقه با پیکان، «بنجمین» اخراج دانشگر از استقلال طی سه فصل اخیر را رقم زده است. عددی که حقیقتاً می‌تواند یک رکورد شگفت‌انگیز در سطح فوتبال دنیا تلقی شود. اولیسن بار این فرهاد مجیدی بود که روی نام این بازیکن قلم فرمز کشید. حضور دیر هنگام او در اردوی تیم در آخرین روزهای لیگ هجدهم، یهانه‌ای بود تا فرهاد نام محمد دانشگر را از فهرست استقلال خارج کند. همه تصور می‌کردند دانشگر در همان پنجره نقل و انتقالات از باشگاه می‌رود اما بین این دو نفر، این فرهاد بود که در نهایت از استقلال جدا شد. اخراج دوم او با نظر مستقیم استراماچونی صورت گرفت. درگیری با یکی از نفرات تیم در یک دیدار دوستانه، مرد ایتالیایی را مجاب کرد تا از نام دانشگر برای چند مسابقه حساس عبور کند.

هر چند که «بومرنگ» دفاعی آبی‌ها دوباره به ترکیب تیم برگشت و برای استقلال به میدان رفت. پس از پایان دوران استراماچون فرهاد مجیدی در بازگشت به نیمکت استقلال، باز هم این بازیکن را کنار گذاشت و باز هم تصمیم‌ساز را پس گرفت. این بار دانشگر با انتشار یک استوری بحث‌برانگیز، برخی

تیم مشهدی هم در معرض همین تنزل بزرگ قرار گرفته است. تیمی که با وعده‌های نجومی فروخته شد اما به مرور زمان، در مسیر بن‌بست قرار گرفت. خصوصی سازی در فوتبال ایران، قبل از این هم نتایج مثبتی به همراه نیاورده بود. تقریباً همه تیم‌های خصوصی یک راه کاملاً مشابه را طی کرده‌اند. راهی که با هیاهو، سروصدا و هزینه‌های نجومی شروع می‌شود و با یک بحران تمام‌عیار به پایان می‌رسد. مدیرانی که با انگیزه رسیدن به شهرت و محبوبیت وارد این کارزار می‌شوند، به تدریج اثری‌شان را از دست می‌دهند و کار را به حال خودش رها می‌کنند. البته نباید تنها از این زاویه به ماجرا نگاه کرد. حقیقت آن است که پرسوسرور و پدیده فوتبال برای مدیران متمول، به شکل کاملاً طبیعی خسته‌کننده خواهد شد. چرا که این یک فعالیت با بالانس مناسب اقتصادی نیست و هرگز نمی‌تواند در کوتاه‌مدت یا حتی درازمدت، سود مالی برای‌شان به ارمغان بیاورد. در حقیقت این یک فعالیت اقتصادی نیست و به همین خاطر به مرور زمان دیگر چندان جذاب نخواهد بود. اگر تلویزیون زیر بار می‌رفت تا حق پخش قانونی تیم‌های فوتبال را پرداخت کند و باشگاه‌ها این توان برخورد را بودند که حق و حقوق‌شان به همین راحتی پیمان نشود، اگر فدراسیون فوتبال هزینه تبلیغات محیطی را بدون درگیر کردن هزاران واسطه در اختیار باشگاه‌ها قرار می‌داد و اگر قوانین کپی‌رایت در کشور کمی رعایت

شده‌اند که در آکادمی خودشان تربیت شده بود. کومان در این سال‌ها برای تیمی مثل یووه هم به میدان رفته و حالا یکی از ستاره‌های اصلی باشگاه بایرن مونیخ به‌شمار می‌رود. به فهرست محصولات درجه یک آکادمی فوتبال پی‌اس‌جی که تصمیم به ترک این تیم گرفته‌اند، می‌توان نام‌های متعدد دیگری را هم اضافه کرد. «موسی دیابی» که راهی لور کوزن شد تا «اودسان ادوارد» که پیراهن باشگاه سلتیگ در لیگ اسکاتلند را برای خودش در نظر گرفت. از «بویکر سوماره» که به باشگاه لیل فرانسه ملحق شد تا «تانگی کواسی» که حالا در باشگاه بایرن مونیخ عضویت دارد و از ستاره مستعد به اسم «عادل اوچیچ» که در سال ۲۰۲۰ با ترک آکادمی پاریس رسماً جذب باشگاه سن اتین شد تا «کریستف انکونکو» که حالا یکی از ستاره‌های بی‌چون و چرای لایپزیک محسوب می‌شود. پارسی‌ها به لحاظ مالی یکی از غنی‌ترین باشگاه‌های اروپایی هستند. آنها می‌توانند ستاره‌ای

درگیری با فرشید اسماعیلی در جریان مسابقه با پیکان، «بنجمین» اخراج دانشگر از استقلال طی سه فصل اخیر را رقم زده است. عددی که حقیقتاً می‌تواند یک رکورد شگفت‌انگیز در سطح فوتبال دنیا تلقی شود

هواداران استقلال را خطاب قرار داد و به نظر می‌رسید که همه پل‌های پشت‌سر او و باشگاه دیگر خراب شده باشد اما این فوتبالیست‌ها هم در استقلال دیده شد و این بار با یک گل فوق‌العاده حساس، تیمش را در دربی کلیدی جام حذفی نگه داشت. محمد یکی از نفراتی بود که پس از بازگشت تیم از آسیا، در فرودگاه درگیری‌هایی به راه انداختند. هر چند که او هم در نهایت مثل همه نفرات دیگر توانست از زیر بار هر محرومیتی بگریزد و با جرمه‌ای از سوی باشگاه روبه‌رو نشود. پس از چهار اخراج و بازگشت، حالا محمد دانشگر دوباره در همان موقعیت همیشگی قرار گرفته و معلوم نیست باشگاه این بار چه تصمیمی در مورد او اتخاذ خواهد کرد.

امضای قرارداد با آرمان رضانی، این روزها فرهاد را به شدت تحت فشار برخی هواداران استقلال قرار داده است. در چنین روزهای پر فشاری، خیلی‌ها منتظر تماشای برخورد مجیدی با دانشگر هستند. اگر او باز هم دست به عقب‌نشینی بزند و با هم تسلیم شود، بخشی از جبهه هواداری‌اش را در باشگاه از دست خواهد داد. استقلالی‌ها امیدوارند مربی جوان تیم‌شان، رفتاری متفاوت با گذشته را از خودش نشان بدهد و به همین راحتی مجوز بازگشت دانشگر را صادر نکند. چرا که حضور چنین فوتبالیستی، می‌تواند جو تیم را تا حد زیادی به هم بریزد.

می‌شدند و باشگاه‌ها محل نام تجاری یا فروش پیراهن در آمد واقعی کسب می‌کردند، هر روز افراد بیشتری برای خرید تیم‌های مختلف صف می‌کشیدند. در شرایط فعلی اما خرید یک باشگاه هرگز «توجیه اقتصادی» ندارد. در واقع افرادی که برای خرید تیم‌ها در این شرایط پیش قدم می‌شوند، آنهایی هستند که صرفاً شهرت یا اعتبار را جست‌وجوی کنند و زمانی که به این شهرت و اعتبار برسند، ترجیح می‌دهند آرام آرام بساط‌شان را جمع کنند و مقصد متفاوتی را نسبت به فوتبال برای خودش در نظر بگیرند. در اینکه مساله خصوصی سازی استقلال و پرسپولیس تنها یک «نمایش» تکراری است، شکی وجود ندارد اما حتی اگر این اتفاق از مرحله «نمایش» عبور کند و به واقعیت تبدیل شود، باز هم یک پایان اسفبار در انتظار این دو باشگاه خواهد بود. شاید آنها برای مدتی با سر مایه‌های جدید تزیین شده، جان بگیرند و خودش‌شان را با خریدهای گرانقیمت سرگرم کنند اما یک سقوط بزرگ انتظارشان را خواهد کشید. در همه این سال‌ها هر وقت افراد متمول در کادر مدیریتی این دو تیم همه‌کاره شده‌اند، بحران بزرگی از راه رسیده است. تا زمانی که همه ساز و کارها در فوتبال ایران آماده «خصوصی شدن» نباشند و راه برای درآمدزایی حرفه‌ای باز نشود، خصوصی سازی مثل یک قالب کوچک پنی روی یک تله‌موش بزرگ خواهد بود.



این تیم پشت می‌کنند و راهی باشگاه‌های دیگری می‌شوند. مدیران پی‌اس‌جی باید بپذیرند که هر چقدر هم پول خرج کنند، باز هم در بین فوتبالیست‌های جوان دوست داشته نخواهند شد. حقیقتی که حالا دیگر به هیچ قیمتی نمی‌توان آن را انکار کرد و نادیده‌اش گرفت.